



تأثیر تعلق مکانی بر مشارکت ساکنین در احیای محلات بافت فرسوده (مطالعه موردی: محله صدره و سرفره کاشان)

یونس غلامی^۱، رعنا قنبری^۲

چکیده

مسائل مربوط به بافت‌های فرسوده جزء یکی از مسائل مهم و اساسی در برنامه‌ریزی شهری می‌باشد که متأسفانه با گذشت مدت زمان طولانی و زیاد شدن مشکلات، این بافت‌ها کمتر توجه قرار گرفته‌اند. در این پژوهش سعی شده است به بررسی میزان تأثیر تعلق مکانی بر مشارکت ساکنین در احیای محلات بافت فرسوده کاشان پرداخته شود. از آنجایی که مشارکت افراد محله یکی از مباحث سرنوشت‌ساز دیگر می‌باشد که می‌تواند در بهبود اوضاع محله و تخریب بناهای مهم نقش آفرینی نماید و در ادامه دل‌بستگی به مکان زندگی و احساس تعلق به آن در افراد این انگیزه و احساس مسئولیت را ایجاد می‌کند که جهت بهبود همه‌جانبه محیط سکونت تلاش نماید. پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی می‌باشد که داده‌ها به‌صورت میدانی جمع‌آوری و از طریق پرسشنامه به گردآوری نظرات مردم پرداخته شد. که جامعه آماری ما در این پژوهش مردم محلات صدره و سرفره و حجم نمونه بالغ بر ۹۰ نفر از اعضای این محلات می‌باشد، سپس در مرحله بعد برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش مورد نظر و همچنین سنجش روایی و پایایی پرسش‌نامه و محاسبه آلفای کرونباخ از نرم‌افزار SPSS و از مدلسازی معادلات ساختاری AMOS برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده گردید. نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش بیانگر این مطلب می‌باشد که تعلق مکانی با ضریب تأثیر مثبت و مستقیم (۰/۶۵) بر روی مشارکت ساکنین اثرگذار بوده و روابط معنی‌داری بین تعلق مکانی و مشارکت ساکنین برقرار می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر افزایش میزان تعلق خاطر باعث افزایش مشارکت بین ساکنین برای بهبود وضع محله شده که به تبعیت از این عوامل زمینه ایجاد راهکارهای منطقی برای احیا و آبادانی مجدد این بافت‌ها فراهم شده است.

کلید واژه‌گان: تعلق مکانی، مشارکت ساکنین، احیای محلات، بافت فرسوده، محله سرفره و صدره، کاشان

^۱ - استادیار گروه جغرافیا و اکو توریسم، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان

Email: yonesgholami@ymail.com

شماره تماس: ۰۹۱۵۵۳۳۹۳۷۰

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه

مقدمه

تحولات زندگی شهرنشینی چند دهه اخیر بافت‌های قدیمی را با مشکلات عدیده‌ای در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی تأسیسات و تجهیزات شهری و سایر امکانات شهری مواجه ساخته است که همه این عوامل دست‌به‌دست هم داده و زمینه مناسبی را برای فرسودگی این بافت‌های باارزش و تاریخی فراهم نموده است. روند شکل‌گیری فعلی بافت مرکزی و تاریخی اکثر شهرهای ایران، هم‌زمان با تحولات صورت گرفته در تهران به‌ویژه در دوره پهلوی است که در این ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور متحول می‌شود. برخی از بناهای قدیمی از اعتبار عام، یا افزایش کالبدی پیدا می‌کند و دارای ملحقاتی می‌شوند تا پاسخگوی نیازها گردند و یا به قصد تخریب و نوسازی می‌شوند (فلامکی، ۱۳۸۰: ۲۲۸). اگرچه این بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله‌مراتبی بوده ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده و آن‌گونه که باید و شاید نمی‌توان جوابگوی نیاز ساکنین خود باشد (حیسی، ۱۳۸۵: ۳). این مجموعه با بافت ارگانیک، متشکل از محلات مختلفی بوده است که روزگاری مردمان هر محله با همفکری، همیاری و همکاری و تشریک مساعی کلیه امور مرتبط با تدارک خدمات محله خود را انجام می‌دادند. محلات قدیمی شهرها به‌عنوان بخشی از گذشته شهر و ساکنان آن است که بسیاری از آن‌ها طی زمان و تحت تأثیر جریان‌ات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی به‌تدریج دچار تغییر و فرسودگی گردیده و ضرورت بهسازی آن‌ها در طول زمان احساس گردیده است (مراد قلی، ۱۳۹۲: ۱۵). مهم‌ترین مساله در برنامه‌ریزی این قسمت از شهرها توجه به عامل انسانی و میزان مشارکت آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی می‌باشد. مشارکت مردمی به مفهوم واقعی آن در پی سپردن زمام مدیریت شهری در یک محله به دست خود ساکنین است. اما امروزه به علت گسترده شدن انتظارات و مسائل محیط شهری، تخصصی شدن، مقیاس برنامه‌ریزی، کمبود زمان از جنبه مشارکتی مردم کاسته شده است. به علت همین دوری مردم از طرح‌های شهری، شهرها تبلور کالبدی از تقاضاهای ظاهری افراد شده و به نیازهای اصیل و مهم آن نمی‌پردازند نیازها، تقاضای



برآورده نشده، آرزوهای نامشخص و موقعیت رفتاری سرخورده‌ای است که به خاطر عدم شرکت مردم در طراحی‌ها ظاهر می‌شود (بحرینی، ۱۳۸۲). دل‌بستگی به مکان زندگی و احساس تعلق به آن در افراد این انگیزه و احساس مسئولیت را ایجاد می‌کند که جهت بهبود همه‌جانبه محیط سکونت تلاش نماید از این‌رو احساس تعلق مکانی و به دنبال آن مشارکت می‌تواند اجرای برنامه‌های مختلفی اعم از اجتماعی، اقتصادی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیر همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (امیر کافی و فتحی، ۱۳۹۰: ۲). بنابراین تعلق مکانی بحثی مهم هم از نظر جامعه‌شناسی و هم از نظر برنامه‌ریزی اجتماع محلی می‌باشد. در کل حس تعلق به مکان برآیند تعامل سه ضلع فرد، دیگران و محیط می‌باشد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۵). محلات در بافت قدیم کاشان به علت اضافه شدن عناصری همچون فلکه و خیابان دچار تغییرات گسترده‌ای شده‌اند و ساختار محلات و مراکز محلات تغییر کرده است. اضافه شدن خیابان‌ها باعث گسست معابر و گذرها شده است. امروزه به علت عدم پاسخگویی بافت‌های قدیم به نیاز ساکنین از قبیل عدم نفوذپذیری دسترسی سواره و عرض کم معابر، فرسودگی کامل ابنیه و بدنه‌های معابر، فرسودگی کامل ابنیه و بدنه‌های معابر، عدم تأمین پارکینگ لازم، ضعف زیرساخت‌ها و تأسیسات و تجهیزات، کمبود فضای خدماتی، آموزشی، درمانی همچنین عدم توجه کافی به مشکلات این بافت‌ها توسط مسئولین، تغییرات گسترده‌ای در ساختار اجتماعی این بافت‌ها پدیدار شده است به‌نحوی که ساکنین اصیل و بومی این بافت‌ها به نقاط دیگر شهر مهاجرت نموده و اقشار کم درآمد و افاغنه در این بافت‌ها سکنی گزیده‌اند و به همین سبب عدم تأمین امنیت و بالا رفتن آمار ناهنجاری‌های اجتماعی را سبب شده است. از دیگر سو به علت سطح درآمد پایین اقشار ساکن و عدم توان مالی آن‌ها جهت بهسازی و بازسازی ابنیه، شاهد فرسودگی کالبدی بیش‌ازپیش ابنیه موجود در بافت می‌باشیم. نکته حائز اهمیت دیگر آن‌که با اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی و به علت وجود مناطق مخروبه فراوان در بافت می‌توان از رشد پراکنده و شعاعی شهر جلوگیری نموده و توسعه در بخش مرکزی

شهر ادامه یابد (مهندسین مشاور نقش جهان-پارس، ۱۳۸۹: ۶۴). شهر کاشان جزء یکی از شهرهای با قدمت چندین و چندساله تاریخی می باشد که بافت تاریخی و فرسوده زیادی در آن مشاهده می شود که حل مشکلات بافت فرسوده در بسیاری از محلات آن دور از انتظار نیست به همین دلیل برای واکاوی دقیق مساله، محله سرفره و صدره به عنوان یک محله از بین محلات کاشان انتخاب شده است.

چارچوب نظری پژوهش

تعلق مکانی

در گذشته بسیاری از جغرافیدانان، هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می دانستند، ولی امروزه بسیاری به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می کنند، این چرخش را می توان در آثار علمی گیدنز، فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی، گریگوری، سوگا و دیگران مشاهده کرد (رضوانی و احدی، ۱۳۸۸: ۴۶). حس به گونه ای به پیوند فرد با مکان منجر می شود که انسان خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می باشد و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می شود. یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دلبستگی را شکل می دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹). در روانشناسی محیطی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد یا جمع با یک محیط اطلاق می شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکان رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی است. احساس تعلق و دلبستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین کننده ای می یابد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰).. نظریه تعلق مکانی به مطالعه مؤلفه های احساسی و عاطفی موجود در پیوند با مکان می پردازد بطوریکه مفهوم حس تعلق، ایجاد پیوند عاطفی مثبت بین فرد و مکان تعریف شده است. بر طبق این نظریه، مردم به ایجاد پیوندهای احساسی و عاطفی با مکان مبادرت می ورزند. این پیوندها با

میزان رضایت افراد، ارزیابی شان نسبت به محیط و برخی از جنبه‌های هویتی آن‌ها به همراه معیارهای عینی مانند مدت زمان سکونت، مشارکت در محله و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط است (بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴: ۸۶). بنابراین لازم و ضروری است که برنامه‌ریزی‌ها، تمهیدات و اقداماتی در جهت بازیابی و تقویت هویت و تعلق خاطر به مکان زندگی در افراد صورت گیرد چراکه اصولاً هر انسانی، ریشه‌ی خود را در مکان جستجو می‌کند و تعلق به مکان می‌باید که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تأمین گردد (شکویی، ۱۳۸۳: ۲۷۴).

جدول شماره ۱- مفاهیم مرتبط با تعلق مکانی

مفاهیم	سال	اندیشمندان
"تعلق مکانی در واقع تأکید بر چگونگی شکل گرفتن تصور شخصی هر فرد از مکان است"	۲۰۰۳	گیفورد
به فرآیندی که طی آن در افراد بشر پیوندی احساسی با مکان شکل می‌گیرد، تعلق مکانی گفته می‌شود. برخی تعلق مکانی را پیوند عاطفی افراد با مکان‌ها تعریف می‌کنند	۲۰۰۱	هیدالگو و همانلز
ارتباط با مکان و تعلق به مکان از طریق برقراری انواع پیوندهایی که افراد با مکان تشکیل می‌دهند، صورت می‌گیرد (پیر بابایی و سجاد زاده، ۱۳۹۰: ۲۰).	۲۰۰۵	کراس
تعلق مکانی به عنوان پیوند عاطفی بین افراد و مکان هاست. که بازیگران مختلف، روابط اجتماعی بین آنها و مکان‌هایی از مقیاس متنوع را شامل می‌شود (Manzo 2003, 2005)	۱۹۹۲	آلتمن و لو
دلبستگی به مکان به عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مکان هاست. این دلبستگی مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضاست و به واسطه خصوصیات فردی و جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود.	۱۳۹۲	سجاد زاده
تعلق خاطر در این میان، ملجا و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق‌رهایی بخشد. انسان نیاز دارد هر چه بیشتر فضای زندگی خود را مخاطبی قرار دهد و با آن در تعاملی سهل قرار گیرد	۱۳۸۹	قاسمی و نگینی
مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند تعریف کنند.	۱۳۸۹	سرمرست

مأخذ: نگارندگان

مشارکت

سیاست‌گذاران و دانشمندان به‌طور یکسان تمایل به برقراری حالت‌های مختلف از مشارکت در ساختارهای رسمی سیاست‌گذاری دارند. مشارکت «صوری» به شرکت افراد در فرآیندهای تصمیم‌گیری، که بر محله خود تأثیر مثبت می‌گذارد اشاره می‌کند

(Vebra & Nia, 1972). مشارکت به عنوان فعالیت‌های انجام شده توسط ساکنان به منظور اثرگذاری مثبت بر وضعیت اجتماعی و فیزیکی محله تعریف شده است. این فعالیت‌ها می‌تواند به صورت رسمی یا غیر رسمی باشد (Marschall, 2001). در دنیای متغیر کنونی، مشارکت نشانه کمال و توسعه تلقی می‌شود (حیاتی و دیدگاه، ۱۳۸۹: ۴۱۴). به طور کلی، می‌توان گفت که مشارکت، پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد بسیار زیادی از متغیرهای دارای وزن نسبی متفاوت، وابسته است (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۰). چرا که به واسطه مشارکت مردم در فرایند توسعه شهری، مدیران شهری بهتر می‌توانند مسائل و نارسائی‌های اجتماعی شهر را شناخته در جهت حل آن و نهایتاً بهسازی و توسعه شهری اقدام نمایند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴). برخی دیگر از صاحب نظران علوم اجتماعی، چنین تعریفی را برای مشارکت ارائه کرده‌اند: «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (نوذر پور، ۱۳۸۰: ۴). از دیدگاه برکلی^۱، «مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ ارزشی، به آزادسازی و اعتماد به خویشتن انسان و از لحاظ ابزاری، به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرآیندهای عملی حیات اجتماعی منجر می‌شود» (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۹).

احیاء

به معنای حیات بخشیدن به بخش‌های از میان رفته اثر یا سازمان فضایی آن است؛ به گونه‌ای که کلیت خدشه دار شده از نو ایجاد شود. احیا یا بازگشت به بنا، مجموعه و یا فضای شهری اولیه، سبب بازگرداندن حالت وجودی، ذاتی و اصلی به بنا، مجموعه و یا فضای شهری می‌گردد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱). رهیافت بازآفرینی شهری تلاشی است یکپارچه برای به زندگی برگرداندن مناطق رو به نابودی، عملکرد رهیافت

^۱. Burkely

بازآفرینی شهری، توقف افت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی و خارج کردن بافت از چرخه تنزل است (توپچی، ۱۳۸۹: ۳). بازآفرینی شهری به مفهوم احیاء، تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است. این رویکرد پس از چالش‌های فراوان در راستای رویارویی با معضل فرسودگی شهرها به‌عنوان رویکردی یکپارچه و در برگیرنده ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی مطرح گردیده است. بازآفرینی شهری طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که هدف آن‌ها احیای بافت‌های شهری، تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی بافت‌ها، احیای ساختمان‌ها، زیر ساخت‌ها و تأسیسات شهری و در حالت کلی تزریق زندگی به بافت‌هاست. به این معنی می‌توان از بازآفرینی با محوریت توسعه املاک، اشاعه فرهنگ، حمایت اجتماعی، حفاظت از میراث، تعامل زیست‌محیطی و مانند آن نام برد (امین زاده و رضا بیگی ثانی، ۱۳۹۱: ۳۰).

بافت فرسوده

بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده‌ی قانونی شهرها اطلاق می‌گردد که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری، آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. این بافت‌ها، به دلیل فقر ساکنان و مالکان آن‌ها، امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و نیز سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در آن را ندارند (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۶). در ایران مهم‌ترین منبع مصوب در مورد بافت‌های فرسوده، گروه‌بندی شورای عالی شهرسازی و معماری است که بافت‌های فرسوده را به سه دسته تقسیم کرده است: الف) بافت‌های قدیمی دارای میراث شهری ب) بافت‌های شهری (فاقد میراث شهری) که دارای مالکیت رسمی و قانونی هستند ج) بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی) که خارج از برنامه توسعه شکل گرفته‌اند. (شورای عالی شهرسازی و معماری کشور، ۱۳۸۴: ۱۱).

توسعه پایدار در بافت فرسوده شهری

در دیدگاه توسعه پایدار، توسعه و عمران کالبد در بافت قدیم زمانی می تواند پایدار باشد که بتواند هم نیازهای اقتصادی و مادی و هم نیازهای اجتماعی و فرهنگی و روانی مردم در حال و آینده را پاسخ گوید. از این نظر زمین دارای خواص و ویژگی های کالایی، فضایی کارکردی، زیبا شناختی و فعالیتی است که می باید در برنامه ریزی شهری مورد توجه اساسی قرار گیرد. این دیدگاه معتقد است اگر چه احیای کالبدی، اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی در تعامل و مرتبط با یکدیگرند اما احیای اقتصادی را می توان جنبه کارکردی و ضامن احیای کالبدی و اجتماعی تلقی کرد اما نه به طریقی که موجب شود هویت تاریخی - اجتماعی شهرهای سنتی از بین برود. این اقدام مهم در قالب راهبردهای مدون برنامه ریزی شده و یا با هدف حفظ جنبه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و زیست محیطی در قالب کالبد نمود پیدا کند (مهدیزاده، ۱۳۸۰) اساساً سیاست توسعه شهری به مفهوم ارتقای بهره وری و بهینه سازی استفاده از زمین و امکان توسعه درون شهری (به ویژه در شهرهای بزرگ) و ارتقای سطح دسترسی ساکنان بافت قدیم و فرسوده شهری به خدمات شهری و اجتماعی است (سازمان عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۴). بنابراین می توان گفت که: بهسازی و نوسازی با هدف های توسعه پایدار هماهنگی فراوانی دارد. به عبارت دیگر اقدامات نوسازی و بهسازی شهری به دنبال تحقق توسعه پایدار شهری است. بر این اساس بررسی و تبیین نظریه ی شهر پایدار و توسعه پایدار شهری در فرآیند نوسازی و بهسازی شهری لازم و ضروری است (داوود پور و نیک نیا، ۱۳۹۰: ۳۶). به طور کلی می توان گفت باززنده سازی بافت های درون شهری خود از اصول توسعه پایدار است که نتایج آن نیز تحقق اصول توسعه پایدار را موجب می شود. وجود اهداف معین و اصول مشخص برای انتخاب الگوهای احیاء بافت های فرسوده پیش فرض ضروری است. این اهداف باید برای مردم و به ویژه ساکنان محلات باشد و موارد ذیل را براساس نگرش توسعه پایدار شامل گردد.

الف - نگهداشت پیکره های کالبدی بناها



ب - یکسان سازی شرایط شهر زیستی

ج - ادغام مجدد مراکز و بافت های قدیمی شهر در محیط

د - مشارکت دادن شهروندان در مرمت شهری (داود پور و نیک نیا، ۱۳۹۰: ۳۷)

سابقه و پیشینه پژوهش

منزو^۱ و پارکینز^۲ (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «اهمیت تعلق مکانی در مشارکت اجتماعی و برنامه ریزی» انجام دادند به این نتیجه می رسند که تعلق مکانی، هویت مکانی، و مفهوم اجتماع می توانند مارا به درک عمیق تری از این موضوع برسانند که چه طور همسایگی ها می توانند انگیزه های باشند برای ساکنان معمولی تا در حرکتی جمعی و با یکدیگر به حفظ، مراقبت، با بهبود اجتماع خود پرداخته و در فرآیندهای برنامه ریزی محلی مشارکت جویند. کیل^۳ و همکاران (۲۰۰۴) تحقیقی با عنوان «اثرات تعلق مکانی بر درک کاربران از شرایط اجتماعی و محیطی در وضعیتی طبیعی» انجام دادند. نتایج به دست آمده نشان دهنده ی تأثیر مخالف دو بعد تعلق مکانی، یعنی هویت مکانی و وابستگی مکانی، بر شرایط حاکم می باشد. با افزایش امتیاز شرکت کنندگان در بعد هویت مکانی، مشخص شد تمایلی وجود دارد مبنی بر مشکل ساز قلمداد کردن تمامی شرایط حاکمی که با آن روبه رو هستند. در بررسی وابستگی مکانی، شاهد الگوی روابط متفاوتی بودیم. شیخ الاسلامی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «نقش مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری» انجام دادند. مشارکت مردم در تمامی فعالیت های اجتماعی و از جمله برنامه ریزی و شهرسازی امری است که امروزه در تمامی جوامع مورد پذیرش قرار گرفته که در تحقیق فوق مورد توجه قرار می گیرد. نتایج آزمون فرضیات نیز نشان داد که ساکنین محله تمایل به مشارکت در امور محله را دارند. معتمدی مهر و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «بهسازی و نوسازی بافت

^۱ . Manzo

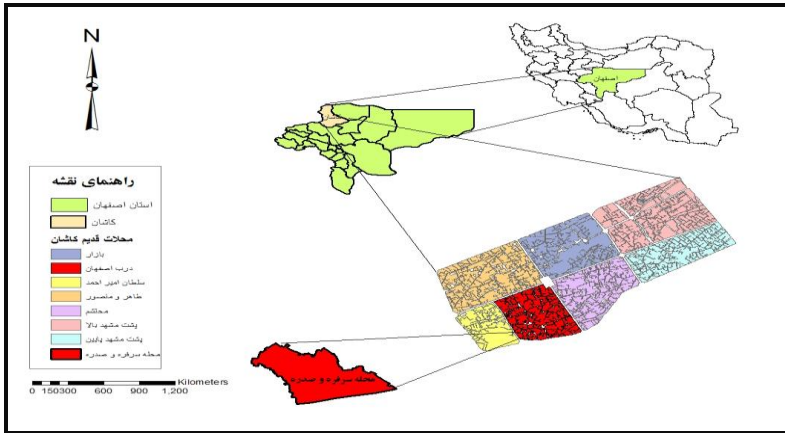
^۲ . Perkins

^۳ . Kyle

فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی انجام دادند. نتایج نشان داد، مشارکت مردم و شهروندان در تسریع روند بهسازی بافت فرسوده محله قیله تأثیرگذار است و سامان‌دهی معابر محله مورد مطالعه باعث ارتقا کارکرد و نقش‌پذیری جدید آن می‌شود. نظم فر و عطار (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در نوسازی بافت فرسوده انجام دادند. نتایج پژوهش رابطه معناداری میان دو شاخص، میزان احساس تعلق به محله و میزان اعتماد نهادی محله با میزان مشارکت ساکنان بافت فرسوده و همچنین عدم رابطه معناداری بین شاخص میزان همبستگی اجتماعی و میزان مشارکت ساکنان را در فرایند نوسازی بافت فرسوده شهری نشان می‌دهد. زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیم انجام دادند نتایج نشان می‌دهد که سطح سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی در محله مورد مطالعه بالاتر از سطح متوسط است. همچنین این دو متغیر تأثیر معنادار بر سطح مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی دارند.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان کاشان در ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد این شهرستان در فاصله ۲۴۴ کیلومتری جنوب تهران واقع شده و از شمال به گرمسار، از شرق به اردستان، از جنوب به نطنز و از غرب به محلات و قم محدود شده است و شهر کاشان در دشت کاشان و در حاشیه کویر قرار گرفته (طرح توسعه و عمران شهر کاشان، ۱۳۸۹: ۲۱). محدوده مورد نظر ما در این پژوهش، محله صدره و سرفره که جزء زیر محله‌های محله درب اصفهان می‌باشد



شکل شماره (۱) نقشه موقعیت جغرافیایی - فضایی محله سرفره و صدره در محلات درب اصفهان کاشان

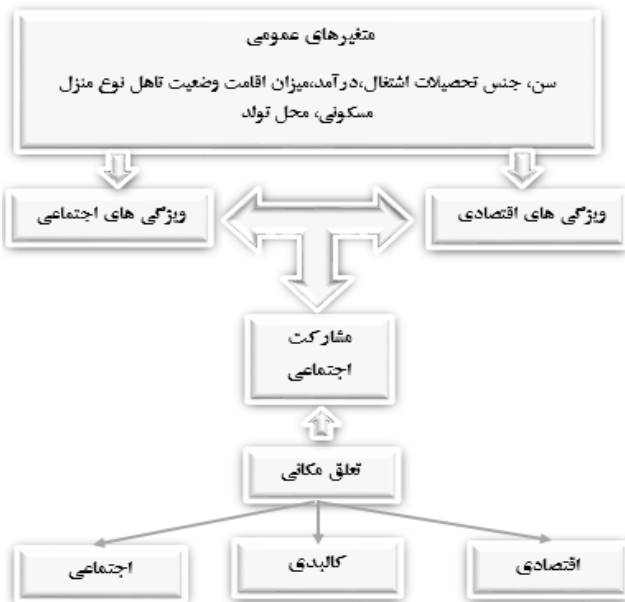
روش تحقیق

روش پژوهش حاضر با توجه به موضوع از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد که روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در این پژوهش ابتدا از منابع اسنادی-همچون کتاب‌ها و مقاله‌ها و منابع کتابخانه‌ای استفاده، سپس در مرحله بعد به روش مطالعات میدانی از طریق پخش ۹۰ پرسشنامه در محدوده مورد مطالعه (بین محلات صدره و سرفره) و حضور در محلات و مشاهده عینی وقایع از نزدیک به گردآوری اطلاعات پرداخته شد. که پرسشنامه مشتمل بر ۳۵ گویه که از دو بخش سوالات عمومی و اختصاصی به شیوه طیف لیکرت طراحی بود. همچنین برای تعیین جامعه آماری و حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که طبق فرمول در بین ۹۰ نفر از ساکنان این محلات توزیع شد. سپس به منظور پردازش اطلاعات و سنجش میزان روایی و پایایی پژوهش و میزان آلفای کرونباخ از نرم افزار SPSS استفاده، که میزان آلفا برای متغیرهای مشارکت $\alpha / 718$ و برای متغیرهای تعلق مکانی $\alpha .639$ بدست آمد که در کل میزان روایی و پایایی پرسشنامه برابر $770 /$ می باشد که بیانگر روایی و پایایی مطلوب پرسشنامه می باشد.

بحث و یافته ها

یافته‌های توصیفی

از مجموع ۹۰ پرسشنامه توزیع شده ۷/۵۶/۰ پاسخ دهندگان مرد و ۳/۴۳٪ زن بودند و از لحاظ سن ۲/۲٪ افراد زیر ۲۰ سال سن، ۳۰٪ بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۰٪ بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۲۲/۲٪ بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۶/۲۵٪ افراد بالای ۵۰ سال سن دارند. بیشتر افراد این محل از لحاظ تاهل ۷۰٪ آنها متأهل، ۲۴٪ مجرد، ۴/۴٪ همسر فوت کرده و ۱/۱٪ از همسرشان جدا شده بودند. از لحاظ میزان اقامت افراد در این محل ۱/۲۱٪ بین ۱ تا ۱۰ سال، ۲۰٪ بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۳۰٪ بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۹/۲۸٪ بین ۳۰ تا ۴۰ سال زندگی می کنند. میزان تحصیلات افراد این محل ۶/۵٪ افراد بی سواد، ۳/۳۳٪ زیر دیپلم، ۴/۳۴٪ دیپلم، ۷/۶٪ فوق دیپلم، ۹/۱۸٪ لیسانس و ۱/۱٪ فوق لیسانس می باشند و ۲/۴۲٪ افراد این محل در همین محل، ۱/۵۱٪ سایر محلات، ۶/۵٪ خارج از استان و ۱/۱٪ خارج از کشور متولد شده اند.



شکل شماره ۲- مدل مفهومی پژوهش

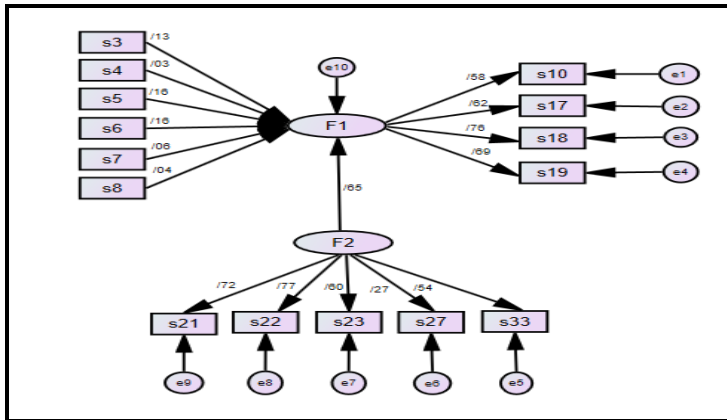
یافته های استنباطی

نقش تعلق مکانی در مشارکت ساکنین

با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه، به وسیله مدلسازی معادلات ساختاری مشخص گردید که بین تعلق مکانی و مشارکت ساکنین در احیای محلات رابطه معناداری وجود دارد به گونه ای که تعلق مکانی با بار عاملی ۰/۶۵ توانسته بر روی مشارکت ساکنین اثرگذار باشد. با توجه به مدل مفهومی می‌توان ذکر کرد که فرضیه اول مورد تأیید بوده و روابط معنی دار و مستقیمی بین متغیرهای موردسنجش حاکم می‌باشد.

نقش وضعیت اجتماعی و اقتصادی در میزان مشارکت

جهت پاسخ به فرضیه دوم و سنجش هر کدام از پارامترها تعیین شده در جدول شماره (۶) می‌توان گفت که رابطه معناداری بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی بر روی میزان مشارکت در سطح محله وجود ندارد و سطح تحت پوشش (مقدار P) بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد که این امر نشانگر عدم تأیید فرضیه تحقیق می‌باشد.



شکل شماره ۳- برازندگی مدل تحقیق

مرحله اول: پس از مشخص شدن شاخص‌ها و زیر شاخص‌های پژوهش به بررسی برازش مدل تحقیق پرداخته شده است. با توجه به مدل مفهومی پژوهش شکل شماره

(۳) تعلق مکانی با ضریب تأثیر مثبت (۰/۶۵) بر روی مشارکت ساکنین اثربخش بوده که F1 معرف شاخص تعلق مکانی و F2 معرف شاخص مشارکت ساکنین می باشد همچنین (S3,S4,S5,S6,S7,S8) معرف وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد می باشند. به عبارتی دیگر بار عاملی ۰/۶۵ بیانگر این امر می باشد که رابطه بین متغیرها معنادار می باشد و هر چه میزان تعلق به مکان بیشتر باشد به تبعیت از آن میزان همکاری و مشارکت بین ساکنین محله افزایش می گردد.

مرحله دوم: در این مرحله به سنجش تخمین غیر استاندارد، خطای معیار، نسبت بحرانی و سطح معنی داری هر کدام از شاخص های قید شده در جدول شماره ۶ و ۵ و ۴ پرداخته شده است و این مدل زمانی مناسب می باشد که نسبت بحرانی مناسب (بیشتر از ۱/۹۶) و خطای استاندارد پایین و در نهایت سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد.

مرحله سوم: به تحلیل نیکویی برازش مدل به وسیله شاخص های مطلق، تطبیقی و مقتصد پرداخته شده که اساساً یک مدل خوب بی نیاز از انجام هرگونه اصلاحات نیست و چیزی که برای ما در مدل Amos بسیار مهم می باشد مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۱ و سطح معنی داری^۲، و خی دو^۳ مدل موردنظرمان می باشد و سپس مقدار خی دو ما برابر با ۱۰۸/۲۱۷ و مقدار P آزمون خی دو برابر ۰/۸۱ می باشد که نشان از مناسب بودن داده های پژوهش دارد. همچنین مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ۱/۰۴۹ می باشد خی دو اصلی ترین معیار برای شناسایی انطباق مدل مفهومی با داده های تجربی است. برخلاف آزمون ها و تکنیک های چند متغیره؛ در مدل سازی معادلات ساختاری، محقق به دنبال مقادیر کوچک تر خی دو می باشد. مقدار خی دو به لحاظ نظری در دامنه ی بین صفر تا بینهایت تغییر می کند. خی دو در نرم افزار Amos تحت عنوان^۴ نیز مطرح است و از مهم ترین شاخص های برازش مدل است (بسحاق، ۱۳۹۴). در این پژوهش به بررسی تک تک متغیرهایی که در جدول آورده

۱. RMSEA

۲. P

۳. CMIN

۴. CMIN



شده، اشاره شده است که در این مدل پارامترهای آزاد شده برای تدوین مدل که مقدار آن برای مدل پیش فرض برابر ۳۱ می باشد، که نشان دهنده این امر می باشد که محقق در تدوین مدل به هزینه کردن درجات آزادی نپرداخته است و این وضعیت قابل قبول بودن مدل را نشان می دهد. شاخص نیکویی برازش برابر ۰/۹۰۱ که نمایانگر برازش قابل قبول و مطلوب می باشد. همچنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد کمتر از ۰/۰۵ که حاکی از برازش خوب مدل می باشد همچنین نسبت کای اسکوتر به درجات آزادی که کای اسکوتر نسبی خوانده می شود که برابر ۱/۲۱۶ می باشد که با توجه به برازش خوب که مقادیر ۱ تا ۳ را شامل می شود جز برازش خوب تلقی می شود و در پایان مقدار عددی شاخص های برازش افزایشی و تطبیقی ۰/۹۱۸ و ۰/۹۱۲ می باشند که برازش قابل قبول و مطلوب مدل را نشان می دهند سپس در مرحله بعد به سنجش شاخص های مقتصد پرداخته شده است که مقدار عددی هر کدام از شاخص های ذکر شده بالاتر از حد نصاب می باشد که نمایانگر برازش خوب مدل می باشند و در کل می توان گفت این مدل از برازش خوبی برخوردار است. جدول شماره (۱) و (۲)

جدول شماره ۱- رگرسیون وزنی مدل پیش فرض (شاخص های مشارکت ساکنین)

شاخص	تحلیل مسیر	متغیرها	تخمین غیراستاندارد ^۱	خطای معیار ^۲	نسبت بحرانی ^۳	سطح معنی داری
میزان تعلق مکانی ساکنین محله	۲۱S	زمان گذاشتن برای رفع	۱/۰۰۰	-	-	***
	۲۲S	کمک مالی برای بهتر	۱/۰۴۴	۱/۱۷۹	۵/۸۳۲	***
	۲۳S	رضایت از امنیت فضاهای	۰/۷۲۳	۱/۱۴۷	۴/۹۰۸	***
	۲۷S	رضایت از زیرساخت های	۰/۳۲۳	۱/۱۴۹	۲/۲۳۴	۰/۰۲۵
	۳۳S	مشورت قبل از شروع	۰/۷۳۷	۱/۱۶۶	۴/۴۴۳	***
سنجش وضعیت اجتماعی و اقتصادی	۳S	میزان تحصیلات	۰/۰۹۳	۰/۰۷۴	۱/۲۶۴	۰/۲۰۶
	۴S	وضعیت تأهل	۰/۰۴۰	۱/۱۱۹	۳/۴۰	۰/۷۳۴
	۵S	وضعیت اشتغال	۰/۰۹۱	۰/۰۵۷	۱/۵۹۱	۰/۱۱۲
	۶S	میزان درآمد خانوار	۰/۱۵۹	۱/۰۰۶	۱/۵۱۰	۰/۱۳۱
	۷S	نوع منزل مسکونی	۰/۰۹۹	۱/۱۶۵	۱/۶۰۰	۰/۵۴۹
	۸S	میزان اقامت در محله	۰/۰۳۲	۱/۰۸۰	۱/۴۰۰	۰/۶۸۹
میزان	۱۰S	مشارکت در تصمیم گیری	۱/۰۰۰	-	-	-

^۱ . Estimate

^۲ . S.E.

^۳ . C.R

***	۴/۳۴۷	/۲۲۰	/۹۵۷	همکاری در جذب	۱۷S	مشارکت
***	۴/۸۳۴	/۲۴۰	۱/۱۵۹	مشارکت با شهرداری در	۱۸S	
***	۴/۹۰۸	/۲۶۴	۱/۲۲۰	مشارکت برای ایجاد	۱۹S	

جدول شماره ۲- شاخص‌های نیکوئی برازش (شاخص‌های مطلق و تطبیقی)

مدل پیش فرض	پردازش قابل قبول	شاخص
۳۱	-	پارامترهای آزادشده برای تدوین مدل
۱۰۸۲۱۷	-	خی دو (کای اسکوتر)
۸۹	-	درجه آزادی
/۰۸۱	-	سطح معنی داری
/۹۰۱	مقادیر بین ۰/۹۵ تا ۰/۹۰	شاخص نیکوئی برازش ^۱
/۰۴۹	بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ^۲
۱/۲۱۶	مقادیر بین ۵ تا ۳	کای اسکوتر نسبی (بهنجار شده)
/۹۱۲	مقادیر بین ۰/۹۵ تا ۰/۹۰	شاخص برازش تطبیقی ^۳
/۹۱۸	مقادیر بین ۰/۹۵ تا ۰/۹۰	شاخص برازش افزایشی ^۴

پیشنهادات و نتیجه گیری

نتایج حاکی از این پژوهش بیانگر این امر می‌باشد که هر چه مشارکت و همکاری بین افراد بیشتر باشد می‌تواند در احیاء و آبادانی بافت اثربخش باشد و زمانی می‌تواند زمینه‌های مشارکت بین افراد ایجاد شود که افراد تعهد و تعلق خاصی نسبت به محل سکونت خود داشته باشند در این صورت می‌توان بیان کرد که تعلق به مکان و حضور فعال ساکنان می‌تواند باعث توسعه محله و مانع مهاجرت و جابه‌جایی افراد به دیگر محلات از جمله راهکارهایی که می‌توان برای این محلات پیشنهاد کرد عبارتند از: (۱) انجام مشارکت هدفمند و برنامه ریزی شده (۲) بالا بردن کیفیت زندگی و برقراری امنیت و آسایش در محله (۳) ایجاد فضای سبز برای ساکنین این محلات (۴) راه اندازی مجدد آب انبارها و یا در صورت غیرقابل استفاده بودن آنها می‌توان این نوع از کاربری

۱ . GFI
 ۲ . RMSEA
 ۳ . CFI
 ۴ . IFI

را به کاربری های دیگر که افراد محله روزانه به آنها احتیاج دارند تغییر داد (۴) اولویت قرار دادن مشکلات بافت فرسوده در برنامه های دولت و دولت با حمایت های مالی و سیاسی خود می تواند جهت مرمت و بهسازی خانه های قدیمی مثمرتر واقع شود همچنین مسئولان شهری با فراهم آوردن خدمات و امکانات برای ساکنین بافت فرسوده در دسترسی به خدمات شهری و فراهم کردن تسهیلات نوسازی و بهسازی می توانند نقش موثرتری داشته باشند. در نهایت نتایج حاصل از یافته های پژوهش نشان می دهد که افراد ساکن در محلات صدره و سرفره از نظر تحصیلات زیر دیپلم، بیشتر متاهل واکثر افراد این محل بیش از ۳۰ در این محلات اقامت داشته اند و از لحاظ وضعیت اقتصادی به صورت کارگر، از لحاظ وضعیت درآمدی در سطح متوسط رو به پایین می باشند که هر کدام از عوامل ذکر شده بر روی میزان مشارکت تأثیر معناداری نداشته است. همچنین با بررسی رابطه بین تعلق مکانی و میزان مشارکت ساکنین می توان ذکر کرد که افزایش میزان تعلق خاطر باعث افزایش میزان مشارکت بین ساکنین شده که این عوامل زمینه ایجاد راهکارهای منطقی برای احیا و آبادانی مجدد بافت را فراهم کرده است.

منابع و مراجع

- ۱) امیر افضلی، بیتا (۱۳۸۵). بررسی و ساماندهی کالبدی-فضایی بافت قدیم شهر اصفهان (محله علیقلی آقا)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد
- ۲) امین زاده، بهناز، رضا بیگی ثانی، راضیه (۱۳۹۱). ارزیابی جایگاه مشارکت در طرح های منظر شهری به منظور ارائه فرآیند مناسب بازآفرینی بافت های آسیب دیده، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۲۹-۳۹
- ۳) بسحاق، محمدرضا (۱۳۹۴). مدل سازی معادلات ساختاری در علو انسانی Amos22، چاپ اول، نشر جامعه شناسان، تهران.
- ۴) بهرام پور، عطیه، مدیری، آتوسا (۱۳۹۴). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن ها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۳، صص ۸۵-۹۴

- ۵) پاکزاد، ج (۱۳۸۸). تهیه طرح جامع دانشگاه بوعلی سینا. همدان: مشاور کندلیس
- ۶) پیر بابایی، محمد تقی، سجادزاده، حسن (۱۳۹۰). تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، شماره شانزده، سال هشتم، صص ۲۸-۱۷
- ۷) حبیبی، سید محسن، مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱). مرمت شهری: تعاریف نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران. انتشارات تهران.
- ۸) حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵). توسعه کالبدی و حفظ، بهسازی و نوسازی شهری، مجله ۷ شهر، فصل‌نامه عمران و بهسازی شهری، شماره ۲.
- ۹) حبیبی، کیومرث، پوراحمد، احمد، مشکینی، ابولفضل (۱۳۸۶). بهسازی و نوسازی بافت کهن شهری. نشر انتخاب. تهران.
- ۱۰) حیاتی، زهیر، دیدگاه، فرشته (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی میزان گرایش پژوهشگران ایرانی در حوزه‌های موضوعی مختلف به مشارکت و همکاری در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. دوره ۲۵. شماره ۳، صص ۴۳۰-۴۱۳
- ۱۱) داوود پور، زهره، نیک‌نیا، ملیحه (۱۳۹۰). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری راهبردی به سوی دستیابی به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده کوی سجادیه)، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۵، صص ۳۲-۵۹
- ۱۲) رضوانی، محمدرضا، احدی، علی (۱۳۸۸). مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال دهم، شماره ششم، صص ۶۸-۴۵
- ۱۳) رهنما، محمد رضا، (۱۳۸۹). برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول
- ۱۴) زیاری، کرمان‌الله، نیک‌پی، وحید، حسینی، علی (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج). مسکن و محیط روستا. شماره ۱۴۱، صص ۸۶-۶۹
- ۱۵) سازمان عمران و بهسازی شهری ایران (۱۳۸۴). برنامه ریزی عملیاتی ده ساله بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، تهران
- ۱۶) سجادزاده، حسن (۱۳۹۲). نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر تهران)، فصلنامه علمی-پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۲۵، سال دهم، صص ۷۸-۶۹
- ۱۷) سرمست، بهرام، متوسلی، محمدمهدی (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران) دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۶، پاییز و زمستان.

- ۱۸ شکویی، حسین (۱۳۸۳). اندیشه‌های نو در فلسفه و جغرافیا. تهران: انتشارات گیتی شناسی
- ۱۹ شیخ الاسلامی، علیرضا، ملکی، آفرین، باوفا، سمیه، احمد جهانی (۱۳۹۳). نقش مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری (نمونه: محله ستارخان در شهر خرم آباد)، فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۱۴۲-۱۲۲
- ۲۰ فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵). مفهوم حس تعلق مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷
- ۲۱ فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۰). باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، دانشگاه تهران
- ۲۲ قاسمی، وحید، نگینی، سمیه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. ش هفتم، صص ۱۳۶-۱۱۳
- ۲۳ معتمدی مهر، اکبر، حسن پور، رضا، رضایی، رقیه (۱۳۹۳). بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محله قیلقر قروه)، چشم انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، شماره ۲۶، صص ۴۴-۲۹.
- ۲۴ موسوی، میر طاهر (۱۳۹۱). درآمدی بر مشارکت اجتماعی. انتشارات جامعه شناسان. تهران.
- ۲۵ مهدیزاده، جواد، (۱۳۸۰). نظری اجمالی به ساماندهی مرکز شهر تهران، فصلنامه هفت شهر، شماره سوم، صص ۶۹-۵۹
- ۲۶ مهندسان مشاور طرح و معماری، (۱۳۸۹). ارزیابی طرح نواب و آثار آن بر ساکنان، تهران: سازمان نوسازی شهر تهران وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۴)، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- ۲۷ مهندسین مشاور نقش جهان - پارس (۱۳۸۹)، طرح توسعه و عمران (جامع) شهر کاشان، سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان، جلد سوم
- ۲۸ میرزایی، حسین، طالب، مهدی، کاکه پور، محمد (۱۳۹۴). ریشه‌یابی دلایل موافقت و مخالفت کشاورزان با مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی (مورد مطالعه: روستاهای منتخب شهرستان بوکان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۷. شماره ۲. صص ۳۴۹-۳۳۷.
- ۲۹ نظم فر، حسین، عطار، محمد امین (۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در نوسازی بافت فرسوده شهری مورد شناسی: بافت فرسوده شهر اردبیل، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، شماره ۱۲، صص ۶۶-۵۱
- ۳۰ نوذر پور، علی (۱۳۸۰). یادداشت سر دبی (سرمقاله)، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، ش ۵
- 31 Gifford, R. (2002). *Environmental Psychology: Principles and Practice*. Canada: Optimal Books.

- 32) Hidalgo, M. C. and B. Hernandez (2001). "Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions." *Journal of Environmental Psychology* 21(3): 273-281.
- 33) Kyle, G., Graefe, A., Manning, R., Bacon, J., (2004) Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting *Journal of Environmental Psychology* 24, pp:213-225
- 34) Manzo Lynne and Douglas D. Perkins (2006). Finding Common Ground: The Importance of Place Attachment to Community Participation and Planning, *Journal of Planning Literature*, Vol. 20, No. 4. pp:335-350
- 35) Manzo, Lynne C. 2003. Beyond home and haven: Toward a revisioning of emotional relationships with places. *Journal of Environmental Psychology* 23(1): 47-61.
- 36) Manzo, Lynne C. 2005. For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology* 25(1): 67-86.
- 37) Marschall, M. J. (2001). Does the shoe fit? Testing models of participation for African – american and Lation involvement in local politice, *Urban Affairs Review*, 37, pp. 227-248
- 38) Toopchi Sani, A., & Mhamadi, M., (2010).ustainable Regeneration of Urban, Urban Eroded Texture Shiraz Conference, Shiraz, PP. 1-21. (In Persian)
- 39) Vebra, s. & Nia, N.H. (1972). community mobilization and institutional change: the influence of the community action program in large cities, *Social Science Quarterly*, 32, pp.287-294.

The impact of spatial belonging on public participation in local revival of old ones (Case study: Kashan neighborhood Sedreh and Serfrh)

Abstract

The issue related to the old areas is one of the fundamental and critical issues in urban planning that unfortunately they are less considered because of passing a long period of time and increasing the problems. This study attempts to examine the amount of spatial belonging effect on residents' involvement in reclaiming old neighborhoods of Kashan. Since residents' involvement of the neighborhood is one of another landmark topics that can have a key role on improving the condition of the neighborhood and diminishing important building; in addition, the place



attachment and the sense of belonging in individuals create such a motivation and responsibilities that it makes them try to thoroughly improve their residence. The present study is descriptive-analytic which the data has been collected from a field study and questionnaires - asking people's ideas- in which the population is the people from neighborhoods including Sadre, Sare Fere and the sample size is 90 members of these neighborhoods. Then, in the next step, Structural Equation Modeling AMOS and SPSS have been used in order to analyze the given data, assessing reliability and validity, and calculating Cronbach's Alpha. The results found in this study indicate that spatial belonging with positive and direct impact factor (0/65) influences residents' involvement and also show that there are meaningful relationships between spatial belonging and residents' involvement. In other words, the increase in the sense of belonging leads to the increase in residents' involvement for improving the neighborhood's condition which following these factors have paved the ground for making logical strategies for reclaiming these areas.

Key words: spatial belonging, residents' involvement, reclamation, old areas, Sadre, Sare Fere neighborhoods, kashan